

دکتر ی.ا. پولاک
ترجمه تروج اتابکی

روسپیگری در ایران

مقدمه مترجم:

نوشته ای که این جا با عنوان «روسپیگری در ایران» به دست می دهیم، ترجمه مقاله ای است با همین عنوان که به زبان آلمانی - نه چندان معاصر - بسال ۱۸۶۱ میلادی منتشر شده است.^۱ نویسنده مقاله یاکوب ادوارد پولاک معلم دارالفنون و پزشک مخصوص ناصرالدین شاه است. پیرامون زندگی و کارنامه پولاک چند نکته ای گفتنی است:

یاکوب ادوارد پولاک بسال ۱۸۲۰ میلادی در بوهیم اتریش زاده شد.^۲ پس از پایان تحصیل علوم پزشکی در دانشگاههای پراگ و وین، بسال ۱۸۵۱ به دعوت دولت ایران، روانه تهران شد. پولاک از جمله معلمانی بود که میرزا تقی خان امیرکبیر چند سالی پیش برای تدریس در دارالفنون از آنان دعوت کرده بود. اندیشه برپایی دارالفنون از امیر بود، هر چند خود فرصت نیافت ناظر تحقق آن اندیشه بزرگ باشد.

دکتر پولاک پس از ورود به تهران به تدریس علم تشریح و جراحی در دارالفنون - مدرسه نظام پرداخت. همو بود که نخستین عمل جراحی ویهوشی را در ایران بسال ۱۸۵۳ میلادی و نیز نخستین کالبد شکافی را بسال ۱۸۵۴ انجام داد.

از پی مرگ دکتر کلوه فرانسوی بسال ۱۸۵۶، پولاک رسماً به هیأت پزشک مخصوص ناصرالدین شاه درآمد،^۳ مقامی را که تا سال ۱۸۶۰ میلادی حفظ کرد. در این سال به اروپا بازگشت و در بیمارستان عمومی شهر وین

بکار پرداخت. دکتر پولاک در کنار اشتغال به حرفه پزشکی، در دانشگاه وین نیز زبان فارسی درس می‌داد. او به تاریخ هشتم اکتبر ۱۸۹۱ در وین چشم از جهان برگرفت.

حاصل اقامت نه ساله پولاک در ایران، بجز تربیت گروهی پزشک از جمله میرزا حسین پسر میرزا طیب افشار و میرزا رضای دکتر،^۴ نگارش تعدادی رساله بود در باب علوم پزشکی و نیز فرهنگ سه زبانه (فارسی، عربی، لاتین) وازگان پزشکی. اما آنچه بیش و پیش از هر چیز نام این پزشک اتریشی را ماندگار کرده است، همانا سفرنامه اوست، که نخستین بار سال ۱۸۶۵ و با عنوان «ایران، سرزمین و مردم آن» منتشر شد.

سفرنامه پولاک، یکی از درخشانترین گزارشهایی است که فرنگیان از زمانه و فرهنگ ایران میانه قرن نوزدهم بدست داده‌اند. پولاک در این سفرنامه از جغرافیای ایران و اتوام ساکن آن آغاز کرده و سپس با دقتی چشمگیر به تصویر تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان پرداخته است. از چشم تیزبین پولاک، روابط بسیار شخصی نیز فروگذارنی نیست.

از این سفرنامه، دو ترجمه در دست داریم. نخستین، ترجمه محمد حسین خان قاجار است و دومین، ترجمه بسیار شیوا و روان کیکاوس جهاننداری.^۵ همین دومین ترجمه بود که انگیزه تهیه این نوشته شد.

پولاک در کتاب خود، در پایان بخشی که عنوان «زندگی خانوادگی و فعالیت جنسی» دارد، اشاره‌ای دارد به این نکته که سر آن ندارد تا در مورد روسپیگری نیز بنویسد، چرا که این کار را پیشتر، جایی دیگر کرده است، و بعد اشاره‌ای به نوشته‌ای از خود می‌کند که در جنگ پزشکی وین چاپ شده است. هنگامی که این نوشته در دسترس آمد، دیدم به خلاف سفرنامه، چندان چشمگیر نیست، اما حیف آمد که ترجمه‌ای از آن را به فارسی نداشته باشیم. بگذار ترجمه اش ادای دینی باشد به بیگانه‌ای که به سرزمینمان آمد و خود را خودی یافت.^۶

ت.ا.

روسپیگری در ایران از کهنترین ایام رایج بوده است. اما بخلاف آنچه در آشور و بابل و یونان جاری بود، در آیین زرتشت هرگز از آن نامی به میان نیامده است. جنگ و آمد و شد با سرزمینهای یاد شده گرایش به روسپیگری را در ایران دامن زد. هرودوت در تاریخش از ایرانیان چنین یاد می‌کند: «آنان (پارسیان) در پی لذتهای گونه‌گونند و آموختن از دیگران. برای لذت‌یابی بیشتر. از جمله از یونانیان پسر بچه بازی را آموخته‌اند. هر پارسی دارای زنان زیادی است و همزمان با روسپیان نیز رابطه دارد. با در نظر داشت

باشد که اینان از زنان عقیقه شهر نیستند. چرا که زنان - حتی کم‌ارزش‌ترین برده‌های دربار - تنها صورت خود را در برابر شاه و خواجه‌ها بازی می‌کنند.

آنتونیو دو گووا Antonio de Guvea پرتغالی بر این باور است که این زنان با ادا و اطواری که هنگام رقص در می‌آوردند، نمی‌توانند زنان با حرمتی باشند. اما رقصیدن از این دست را تنها مختص این گروه از زنان دانستن، نادرست است. چرا که در ایران حرکات رقص همیشه به گونه‌ای بوده که حتی رسواترین روسپیان اسپانیایی نیز از انجام آن شرم دارند.

آلاریوس Olearius در گزارشش از ایران بسال ۱۶۳۷ اشاره به این دارد که به هنگام غذا در پیشگاه شاه، نوازندگان و رقاصان ظاهر می‌شدند و در برابر شاه می‌رقصیدند. اینان را «قجه» می‌خواندند. «قجگان» نه تنها باید برای میهمانان برقصند، بل سایر احساسات جنسی‌شان را نیز برانگیزانند.

در خرابات، واسطه‌ها بیشترین تلاششان بر این بود تا میهمانان‌شان را راضی کنند. میهمان در صورت نیاز می‌توانست با «قجه» مورد علاقه‌اش در اطاق‌هایی که از پیش منظور شده بود، بدون شرم خلوت کند و پس از خلوت دوباره سر جای خود برگردد و «قجه» نیز به رقص ادامه دهد.

شاردن Chardin می‌نویسد: بسال ۱۶۶۶ هنگامی که در اصفهان بودم، شمار روسپیان رسمی شهویازده هزار نفر بود که شورا و سرپرست شورا داشتند. مالیاتی که روسپیان در سال می‌پرداختند چیزی در حد سیصد و شصت هزار اکوز (Ecuz) بود. شمار روسپیان غیر رسمی را نیز در همین حد تخمین زده‌اند.

در آغاز این قرن (قرن نوزدهم. م.) فتحعلی شاه - پدربزرگ شاه کنونی (ناصرالدین شاه م.) در بخشی از تهران خانه‌هایی برای روسپیان برپا کرد. اما به زمان محمد شاه - که متدین بود - این خانه‌ها بسته شدند.

اکنون، به زمان پادشاهی ناصرالدین شاه، هر چند روسپیگری را کار ناپسندی می‌دانند، اما دامن آن بسیار گسترده شده است.

روسپیگری در ایران را می‌توان به دو گروه طبیعی و غیر طبیعی بخش کرد، که گونه غیر طبیعی آن شامل می‌باشد.

یادداشتها:

• در تهیه این کار، دوست خوبم خانم شراره نصرنی فرد و آقای سیروس قره‌باغی به یاریم آمدند، از هر دو ایشان صمیمانه تشکر دارم.

۱- Polak, Jakob Eduard, "Prostitution in Persien," *Wiener Medicinische Wochenschrift*, Nr. 32, 1861.

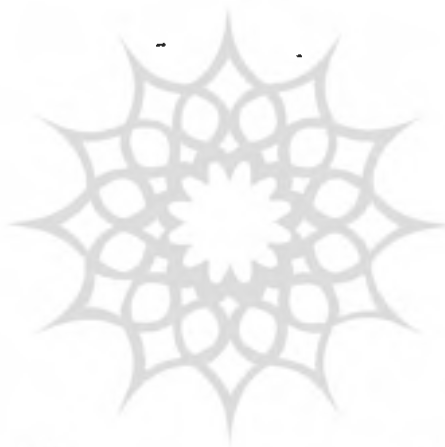
۲- *Encyclopaedia Judaica*, vol. 13, Jeusalem, 1971.

۳- مهدي بامداد، تاريخ رجال ايران، زوار، تهران ۱۳۴۷، ص ۳۱۹.

۴ - مجموعه استاد ومدارك فرخ خان امين الدوله، بخش دوم، بکوشش کریم اصفهانيان، تهران، دانشگاه تهران،

۱۳۴۷.

۵- ياکوب ادوارد پولاک، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی